13957 ـ نیاز مردم به پیامبران

سوال

نیاز مردم به انبیا چیست؟

پاسخ مفصل

الحمدلله.

انبیا، فرستادگان خداوند متعال به سوی بندگانش هستند تا اوامر او را به آنان ابلاغ کنند، و آنان را به نعمت‌هایی که خداوند برایشان آماده کرده در صورتی که از اوامر او اطاعت کنند، بشارت دهند، و از عذاب جاودان در صورتی که با نهی او مخالفت ورزند، برحذر دارند، و اخبار امت‌های گذشته و آنچه از عذاب و مجازات در دنیا به سبب مخالفت با امر پروردگارشان بر سرشان آمده را برایشان بازگو کنند.

عقل بشری به تنهایی نمی‌تواند به این اوامر و نواهی الهی برسد؛ به همین دلیل، خداوند شرایع را تشریع و اوامر و نواهی را فرض کرد تا فرزندان آدم را گرامی دارد و مصالحشان را حفظ کند؛ زیرا مردم ممکن است به دنبال شهواتشان کشیده شوند و محرمات را زیر پا گذارند و بر دیگران تعدی کرده و حقوقشان را سلب کنند. پس از حکمت بالغه بود که خداوند هر از چند گاهی در میان آنان رسولانی را برانگیزد تا اوامر الله را به یادشان آورند، و آنان را از افتادن در معصیتش برحذر دارند، و برایشان پند و اندرزها را بخوانند و اخبار پیشینیان را برایشان ذکر کنند. زیرا هرگاه اخبار شگفت‌انگیز به گوش‌ها برسد، و معانی غریب، ذهن‌ها را بیدار کند، عقل‌ها از آن بهره می‌گیرند و علمشان افزوده و فهمشان صحیح می‌گردد. و هر کس بیشتر بشنود، بیشتر در ذهنش خطور می‌کند، و هر کس بیشتر در ذهنش خطور کند، بیشتر تفکر می‌کند، و هر کس بیشتر تفکر کند، بیشتر می‌داند، و هر کس بیشتر بداند، بیشتر عمل می‌کند. پس هیچ جایگزینی برای بعثت رسولان و هیچ بدیلی برای آنان در انتظام حق وجود ندارد. (أعلام النبوة، تألیف علی بن محمد ماوردی: ۳۳).

شیخ الاسلام ابن تیمیه رحمه الله (احمد بن عبدالحلیم بن عبدالسلام مشهور به ابن تیمیه، در سال ششصد و شصت و یک هجری به دنیا آمد و در سال هفتصد و بیست و هشت هجری درگذشت. او از علمای بزرگ اسلام است و تألیفات گرانبهای بسیاری دارد) می‌گوید: رسالت [پیامبران] برای اصلاح بنده در معاش و معادش ضروری است. همانطور که در آخرتش نجاتی نیست مگر با پیروی از رسالت، همچنین در معاش و دنیایش نیز نجاتی نیست مگر با پیروی از رسالت. انسان به شریعت نیازمند است زیرا میان دو حرکت قرار دارد: حرکتی که با آن چیزی را که به او نفع می‌رساند جلب می‌کند و

حرکتی که با آن چیزی را که برایش زیانبار است دفع می‌کند. پس [شریعت]، نور خدا در زمینش، و عدل او در میان بندگانش، و دژ استوار اوست که هر کس وارد آن شود، در امان است.

و منظور از شریعت، تشخیص سود و زیانی نیست که از طریق حس حاصل می‌شود، زیرا این برای حیوانات نیز حاصل می‌شود، چنانکه الاغ و شتر میان جو و خاک تمایز قائل می‌شوند. بلکه منظور، تمایز میان اعمالی است که در معاش و معاد به فاعلش ضرر می‌رساند، و اعمالی که به او در معاش و معادش نفع می‌رساند، مانند نفع ایمان، توحید، عدل، نیکی، احسان، امانت، عفت، شجاعت، علم، صبر، امر به معروف و نهی از منکر، صلهٔ رحم، نیکی به والدین، احسان به همسایگان، ادای حقوق، اخلاص در عمل برای خدا، توکل بر او، استعانت از او، رضا به مقدرات او، و تسلیم در برابر حکمش، و تصدیق او و رسولانش در هر آنچه خبر داده‌اند و غیر آن از چیزهایی که برای بنده در دنیا و آخرتش نفع و صلاح است. و در ضد آن، شقاوت و زیان او در دنیا و آخرتش است.

اگر رسالت الهی وجود نداشت، عقل هرگز به تنهایی قادر به درک جزئیات امور سودمند و زیان‌آور در زندگی نبود. از این رو، فرستادن پیامبران، نازل کردن کتاب‌های آسمانی و نمایاندن راه مستقیم، از بزرگترین نعمت‌ها و شریف‌ترین منت‌هایی است که خداوند بر بندگانش ارزانی داشته است؛ و اگر این هدایت الهی نبود، انسان‌ها در جایگاهی همچون چهارپایان، بلکه در وضعیتی بدتر از آنان، قرار داشتند. بنابراین، هر کس رسالت الهی را بپذیرد و بر آن پایداری ورزد، از بهترینِ آفریدگان است. در مقابل، هر کس آن را رد کند و از آن رویگردان شود، از بدترینِ آفریدگان بوده و جایگاهش از سگ و خوک نیز پست‌تر و از هر حقارتی، حقیرتر است؛ در حقیقت، بقای اهل زمین تنها به واسطهٔ آثار و بقایای رسالت الهی است که در میانشان وجود دارد و از این رو، هرگاه این آثار از روی زمین محو گردد و نشانه‌های هدایت پیامبران از میان برود، خداوند جهانِ بالا و پایین را در هم کوبیده و قیامت را برپا خواهد ساخت.

نیاز اهل زمین به پیامبر، همچون نیازشان به خورشید و ماه و باد و باران نیست؛ حتی فراتر از نیاز انسان به حیات، نیاز چشم به نور و نیاز جسم به غذا و نوشیدنی است. در حقیقت، این نیازی است بزرگتر و شدیدتر از هر آنچه به تصور درآید. از این رو، پیامبران ـ علیهم الصلاة والسلام ـ واسطه‌هایی میان خداوند متعال و آفریدگانش در امر و نهی او، و سفیرانی میان او و بندگانش به شمار می‌روند. و خاتم، سرور و گرامی‌ترینِ آنان نزد پروردگار، محمد ـ صلی الله علیه وسلم و علیهم أجمعین ـ بود. خداوند او را به عنوان رحمتی برای جهانیان، راهنمایی برای سالکان راه حق، و حجتی بر تمام آفریدگان برانگیخت و بر همگان، اطاعت از او، محبت به او، احترام، یاری و پاسداشت حقوقش را واجب گردانید. خداوند از تمام انبیا و فرستادگان پیشین عهد و پیمان گرفت که به او ایمان آورده و از او پیروی کنند و به آنان نیز فرمان داد که این پیمان را از پیروان مؤمن خود بگیرند. خداوند او را پیش از برپایی قیامت، به عنوان بشارت‌دهنده، بیم‌دهنده، دعوت‌کننده به سوی خود به اذن خویش، و چراغی نورانی فرستاد. با بعثت او، سلسلهٔ رسالت به پایان رسید، گمراهی به هدایت بدل شد و جهالت جای خود را به علم داد. با رسالت او بود که چشم‌های کور بینا، گوش‌های کر شنوا و قلب‌های بسته گشوده شد. با پیام او،

زمین پس از قرن‌ها تاریکی، دوباره روشن شد و قلب‌ها پس از پراکندگی، به یکدیگر الفت یافتند. او آیینِ کج را راست گردانید و راهِ روشنِ حق را آشکار ساخت. پروردگار، سینه‌اش را برای پذیرش وحی گشود، بار سنگینش را از دوشش برگرفت، نامش را بلند آوازه ساخت و ذلت و خواری را بر هر کس که با امر او مخالفت ورزد، مقرر فرمود. او ـ صلی الله علیه وسلم ـ در دورانی از «فترت» برانگیخته شد که در آن، اثری از پیامبران نبود و کتاب‌های آسمانی به فراموشی سپرده شده بودند. دورانی که در آن کلمات [الهی] تحریف، و شرایع دگرگون گشته بود و هر قومی به تاریکیِ رأی و اندیشهٔ خود تکیه کرده و با باورهای فاسد و هواهای نفسانی، بر خدا و بندگانش حکم می‌راند. پس خداوند به واسطهٔ او، آفریدگان را هدایت کرد و راه‌ها را برایشان روشن ساخت. مردم را از تاریکی‌ها به سوی نور رهنمون شد و اهل رستگاری را از اهل گناه متمایز گردانید. در نتیجه، هر کس از هدایت او پیروی کند، هدایت یافته است و هر کس از راه او رویگردان شود، گمراه گشته و پا از دایرهٔ حق بیرون نهاده است. پس درود خداوند بر او و بر سایر پیامبران و فرستادگان باد». قاعدة فی وجوب الاعتصام بالرسالة از شیخ الاسلام ابن تیمیه رحمه الله (۱۹/۹۹ ـ ۱۰۲) از مجموع الفتاوی، و ن.ک: لوامع الأنوار البهیة (۲/۲۱۶ و ۲۳۶).

می‌توانیم نیاز انسان به رسالت را در موارد زیر خلاصه کنیم:

۱ـ اینکه او انسانی مخلوق و مربوب (پرورده شده) است، و ناگزیر باید خالقش را بشناسد، و بداند که او چه از وی می‌خواهد و برای چه او را آفریده است. و انسان به تنهایی نمی‌تواند این را بشناسد و راهی به سوی آن جز از طریق شناخت انبیا و مرسلین و شناخت آنچه از هدایت و نور آورده‌اند، وجود ندارد.

۲ـ انسان از جسم و روح تشکیل شده است. غذای جسم، همان خوردنی‌ها و نوشیدنی‌های در دسترس است؛ اما غذای روح را آفریدگارش معین کرده که همان «دین صحیح» و «عمل صالح» است. و این دقیقاً همان چیزی است که پیامبران و فرستادگان الهی برای بشر به ارمغان آورده و به سوی آن راهنمایی کرده‌اند.

۳ـ اینکه انسان فطرتاً دین‌دار است و ناگزیر باید دینی داشته باشد که به آن تدین ورزد، و این دین باید صحیح باشد، و راهی به سوی دین صحیح جز از طریق ایمان به انبیا و مرسلین و ایمان به آنچه آورده‌اند، وجود ندارد.

۴- اینکه او برای رسیدن به خشنودی خداوند در دنیا و دست‌یابی به بهشت و نعمت‌های او در سرای آخرت، به یک راهنما نیاز دارد؛ و این همان راهی است که جز پیامبران و فرستادگان الهی، کسی به سوی آن راهنمایی نمی‌کند.

۵- انسان ذاتاً موجودی ضعیف است و همواره دشمنان بسیاری در کمین او نشسته‌اند: شیطانی که قصد فریبش را دارد، دوستان نابابی که زشتی‌ها را در نظرش زیبا جلوه می‌دهند، و نفسی که پیوسته به بدی فرمان می‌دهد. از این رو، او برای محافظت از خود در برابر مکر این دشمنان، به راهنمایی نیازمند است؛ و این همان راهنمایی است که پیامبران و فرستادگان الهی آن را به بهترین شکل ممکن بیان و روشن ساخته‌اند.

۶- اینکه انسان طبعاً موجودی اجتماعی است و زندگی اجتماعی ناگزیر نیازمند یک شریعت و قانون است تا مردم بر اساس قسط و عدل رفتار کنند، وگرنه زندگی‌شان به قانون جنگل شبیه خواهد شد. این شریعت باید حق هر صاحب حقی را بدون هیچ کم و کاستی تضمین کند؛ و چنین شریعت کاملی را جز پیامبران و فرستادگان الهی نمی‌آورند.

۷ـ اینکه انسان برای دست‌یابی به آرامش و امنیت روانی و یافتنِ راهی به سوی سعادت حقیقی، به یک راهنما نیازمند است؛ و این همان چیزی است که پیامبران و فرستادگان الهی به سوی آن هدایت می‌کنند.